



Semiotic Analysis of “Nafs” in the Holy Quran

Ramazan Rezaei^{a*}

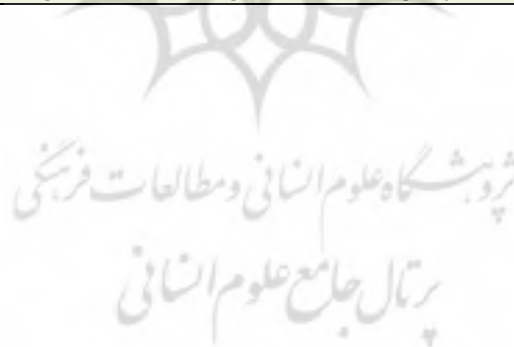
^a Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Iran, drr_rezaei@yahoo.com.

KEYWORDS

Holy Quran,
semiotics,
nafs ammārah,
nafs lawwāmah,
nafs muṭmaʿinnah.

ABSTRACT

Semiotics is the study of signs and symbols within social contexts. In the Quran, semiotics examines divine symbols, signs, and verses within the text, seeking to uncover deeper meanings and the connections between signs and divine messages. As a contemporary approach to literary criticism, semiotics provides a coherent framework for textual analysis. Its foundation lies in discovering the semantic relationships of the text through interpretation based on the reader's literary competence, offering a systematic mode of reading that does not stop at the surface of the text or its literary phenomena, but continually seeks what lies beyond appearances. This study undertakes a semiotic reading of the concept of nafs in the Holy Quran, asking which texts or discourses the semiotic categories and connotations of the word nafs are related to, and how understanding those texts and discourses contributes to decoding its meaning. A descriptive-analytical method has been employed to address this question. The findings reveal that a semiotic analysis of nafs in the Quran uncovers profound and multifaceted implications—ranging from the physical to the spiritual, the individual to the collective—and highlights semantic gradations between good and evil, tranquility and anxiety.



تحلیل نشانه‌شناسی «نفس» در قرآن کریم

رمضان رضائی^{۱*}

^۱ دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران، drr_rezaei@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>نشانه‌شناسی مطالعه زندگی نشانه‌ها و علامات در داخل زندگی اجتماعی است. نشانه‌شناسی در قرآن نیز به بررسی نمادها، نشانه‌ها و آیات الهی در متن قرآن می‌پردازد. این رویکرد به دنبال کشف معانی عمیق، ارتباط بین نشانه‌ها و پیام‌های الهی است. رهیافت نشانه‌شناسی یکی از رویکردهای نقد ادبی دوران معاصر است که چهارچوب منسجمی را برای نقد و تحلیل متن ارائه می‌کند. اساس این نظریه کشف رابطه معنایی متن بر پایه تفسیر بر اساس توانش ادبی خواننده و ارائه شیوه‌ای نظام‌مند از خوانش متن است که در جنبه سطحی متن یا پدیده‌های ادبی متوقف نمی‌شود؛ بلکه همواره می‌کوشد تا آنچه را که در ورای ظاهر نهفته است، جستجو کند. بنابراین، این پژوهش به خوانش نشانه‌شناختی «نفس» در قرآن کریم می‌پردازد، با طرح این سوال که رده‌های نشانه‌شناختی و زیرانگاشت‌های واژه «نفس» با کدام متن‌ها یا گفتمان‌ها مرتبط است و شناخت آن متون و گفتمان‌ها چگونه به رمزگشایی این واژه کمک می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش از شیوه تحلیلی — توصیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تحلیل نشانه‌شناختی «نفس» در قرآن کریم، دلالت‌های ضمنی عمیق و چندگانه‌ای را آشکار می‌کند، از جسمانی تا روحانی، فردی تا جمعی، و همچنین درجات معنایی بین خیر و شر، آرامش و اضطراب را نشان می‌دهد.</p>	<p>قرآن کریم، نشانه‌شناسی، نفس‌آماره، نفس‌لواحه، نفس‌مطمئن.</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸</p>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

التحليل السيميائي "للفس" في القرآن الكريم

رمضان رضائي*

أستاذ مشارك، معهد العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية، إيران، drr_rezaei@yahoo.com

الكلمات المفتاحية:	الملخص
القرآن الكريم، السيميائية، النفس الأمانة، النفس اللوامنة، النفس المطمئنة.	السيميائية دراسة حياة العلامات والرموز داخل الحياة الاجتماعية. وتتناول السيميائية في القرآن تحليل الرموز والعلامات والآيات الإلهية في النص القرآني. يهدف هذا المنهج إلى كشف المعاني العميقة والعلاقات بين العلامات والرسالات الإلهية. يُعد المنهج السيميائي أحد مناهج النقد الأدبي المعاصر الذي يقدم إطاراً متسقاً لنقد وتحليل النص. تقوم هذه النظرية على كشف العلاقة الدلالية للنص بناءً على تفسير قائم على كفاءة القارئ الأدبية، وتقديم منهج منهجي لقراءة النص لا يقتصر على الجوانب السطحية للنص أو الظواهر الأدبية، بل يسعى دوماً للبحث عما يكمن خلف الظاهر.
تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٤/٠١	لذلك، تتناول هذه الدراسة القراءة السيميائية لمصطلح "النفس" في القرآن الكريم، من خلال طرح السؤال التالي: ما هي المستويات السيميائية والفرضيات التحتية لمصطلح "النفس"، وأية نصوص أو خطابات ترتبط بها؟، وكيف يساعد فهم تلك النصوص والخطابات في فك شفرة هذا المصطلح؟ وللإجابة على هذا السؤال، تم الاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي. تشير نتائج البحث إلى أن التحليل السيميائي لمصطلح "النفس" في القرآن الكريم يكشف عن دلالات ضمنية عميقة ومتعددة، تتراوح بين الجسدي والروحي، والفردى والجماعى، فضلاً عن درجات دلالية بين الخير والشر، والطمأنينة والقلق.
تاريخ المراجعة: ١٤٠٤/٠٤/١٧	
تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٤/١٨	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

نشانه، کارکردی اساسی در زندگی انسان داشته و دارد، زیرا کل جهان هستی پر از نشانه‌ها و علائم است. به عنوان مثال، اگر باران ببارد، نشانه باروری و رشد است. تکان دادن سر نشانه تأیید یا عدم تأیید است همه اینها تنوع نشانه‌ها، از جمله کلمات، نشانه‌ها، نمادها و آثار را تأیید می‌کند. نشانه‌ها همچنین نقش بسیار مهمی در زندگی مردم دارند. نشانه‌ها به چندین بخش تقسیم می‌شوند. آنها ممکن است کلامی، مرتبط با حواس (بویایی، شنوایی) یا نمادین باشند. شمایل «یکی از اشکال نشانه است که در آن، دال از نظر ظاهر، صدا، بافت، طعم یا بو، به وضوح شبیه یا تقلیدکننده مدلول به نظر می‌رسد، یعنی در برخی از ویژگی‌هایش با آن مشابه است. از جمله این اشکال شمایی نشانه می‌توان به تصویر شخصی (پرتره‌ها)، تصاویر، مدل‌های استاندارد، کلماتی که معنای خود را در صدا تقلید می‌کنند و استعاره‌های زبانی اشاره کرد» (دانیل، ۲۰۰۵: ۸۱) نشانه‌شناسی مطالعه زندگی نشانه‌ها و علامات در داخل زندگی اجتماعی است.

نشانه‌شناسی به معنای جدید آن یک حوزه تخصصی جدید است که در قرن بیستم ظهور کرد. به گفته «سوسور»، نشانه‌شناسی عبارت است از: «علمی که زندگی نشانه‌ها را در زندگی اجتماعی مطالعه می‌کند. این شناخت عملی، حتی ضمنی است، چرا که نشانه هرگز به تنهایی وجود ندارد. نشانه‌شناسی به طبقه‌بندی ساده نشانه‌ها مربوط می‌شود تا نشانه‌شناسی و بیشتر به آنچه بین نشانه‌ها اتفاق می‌افتد، با بازی معنایی که بر اجزای نشانه تمرکز دارد، مربوط می‌شود.» (کورتس، ۲۰۱۰: ۳۳) هر سیستم نشانه‌شناسی، نشانه‌های متمایز خود را دارد. این حوزه مطالعاتی هر چند که با سوسور مطرح شد، اما تا پس از تلاش‌های فیلسوف آمریکایی، «پیرس»، به یک علم مستقل تبدیل نشد. پیرس نظریه خاصی درباره نشانه به نام «نشانه‌شناسی» ارائه داد و اظهار داشت که این نظریه جامع همه علوم انسانی و طبیعی است، همانطور که می‌گوید: «من هرگز نتوانستم هر چیزی را که مطالعه کردم - ریاضیات، ذهن، متافیزیک، جاذبه، ترموگرافی، اپتیک، شیمی، آناتومی تطبیقی، نجوم، روانشناسی، آواشناسی، اقتصاد، تاریخ علم، رجال، زنان، شراب، مترولوژی - مطالعه کنم، مگر اینکه یک مطالعه نشانه‌شناسی باشد.» (محفوظ، ۲۰۰۸: ۳۱) از اینجا، نشانه‌شناسی در تمام انواع آن در علم نشانه‌شناسی گنجانده شد. «در حال حاضر استفاده از نشانه‌شناسی به عنوان یک اصطلاح کلی که شامل کل حوزه مورد مطالعه می‌شود، رایج است» (کورتس، ۲۰۰۷: ۳۱) بنابراین، این پژوهش به خوانش نشانه‌شناختی نفس در قرآن کریم می‌پردازد، با طرح این سوال که رده‌های نشانه‌شناختی و زیر انگاشت‌های واژه «نفس» با کدام متن‌ها یا گفتمان‌ها مرتبط است و شناخت آن متون و گفتمان‌ها چگونه به رمزگشایی این واژه کمک می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش از شیوه تحلیلی - توصیفی استفاده شده است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

امروزه مطالعات قرآنی در اکثر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با رویکردهای متعدد گسترش چشمگیری یافته است؛ اما پژوهش‌های زبان‌شناسی تقریباً جدید می‌باشد و پژوهشگران از این منظر به تحقیق و پژوهش در قرآن می‌پردازند. بر اساس بررسی‌های نگارنده در سامانه گنج و نورمگز و سایر سامانه‌ها موضوع جستار حاضر مسبوق به سابقه نیست؛ هر چند که «نفس» در قرآن کریم از جنبه‌های دیگر مورد پژوهش قرار گرفته است. از آن جمله:

- تحلیل بُعد غیرمادی انسان در قرآن بر پایه معنانشناسی و بازخوانش واژگان «نفس، روح و قلب» نوشته نوری افشان و خوش منش، ۱۴۰۰، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲. در این مقاله چنین آمده است: قرآن اصطلاح نفس تنها در بُعد غیرمادی انسان به کار نرفته است، بلکه همه وجود انسان اعم از بُعد مادی و غیرمادی هردو را در بر می‌گیرد. واژه روح نیز به معنای رایج امروزی آن نیست و از همنشینی آن با واژه «امر» میتوان دریافت که روح، ساز و کار اجرایی، تنظیم‌کننده و جاری‌کننده امور عالم در مخلوقات و در واقع رابط میان امر و خلق است.

- تحلیل و ارزیابی کاربرد نفس در قرآن، احمد شه گلی، ۱۴۰۱، این پژوهش می‌گوید: در منابع تفسیری معانی نفس عبارت‌اند از: ذات شیء، روح، خون، چشم زخم، بزرگی و بخشش. گفته‌اند یکی از کاربردهای نفس در قرآن روح است و برای اثبات این ادعا به آیاتی از قرآن تمسک کرده‌اند. در این مقاله ضمن اشاره به آیات مذکور، در سه محور به نقد و بررسی دیدگاه مفسران پرداخته شده است: محور اول که یکی از مباحث مهم این پژوهش است، مناقشه در دلالت نفس بر روح است. براساس این دیدگاه به نظر می‌رسد در قرآن واژه نفس با همه استعمالات فراوان آن درباره انسان، در هیچ‌یک از موارد به معنای روح به کار نرفته است و نفس در قرآن به معنای ذات انسانی همراه با احوال و اوصاف مختلف به کار رفته است؛ محور دوم ارجاع معانی متعدد نفس به معنای ذات است و محور سوم منشأ خلط مفهوم نفس با روح است.

۲- بحث و بررسی

نشانه‌شناسی به مطالعه نشانه‌ها، معانی ضمنی، نمادها و چگونگی تولید معنا در زبان و فرهنگ می‌پردازد. هنگام تحلیل نشانه‌شناختی کلمات بر معانی ضمنی و پیوندهای فرهنگی و مذهبی که این نشانه‌ها را با خود دارد، تمرکز می‌شود. از این رو نشانه‌شناسی به عنوان دانش بررسی نظام‌مند نشانه‌ها و فرایندهای دلالت، مسائل گسترده‌ای را در حوزه معنا، ارتباطات و فرهنگ بررسی می‌کند. برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در این حوزه عبارتند از: الف) ماهیت نشانه و انواع آن: بررسی عناصر تشکیل‌دهنده نشانه (دال و مدلول در نظریه سوسور، یا نشانه سه‌بعدی پیرس شامل نماد، شمایل و نمایه) انواع نشانه‌ها نیز شامل زبانی (کلمات، جملات)، غیرزبانی (تصاویر، آواها، حرکات بدن مانند زبان اشاره) و فرهنگی (آیین‌ها، اسطوره‌ها) است. ب) فرایند دلالت شامل دلالت معنایی صریح و معنای ضمنی. ج) رابطه بین نشانه‌ها و واقعیت شامل نظریه‌های تطابق (حقیقت عینی) و ساخت‌گرایی (معنا ساخته اجتماع) است. د) تحلیل گفتمان و ایدئولوژی که از نشانه‌ها در خدمت قدرت و ایدئولوژی بحث می‌کند. ه) نشانه‌شناسی و رسانه شامل خوانش متن رسانه‌ای (فیلم، عکس، تبلیغات) بر اساس رمزگان فرهنگی (مثلاً رنگ قرمز در تبلیغات می‌تواند هم نشانه‌ی خطر باشد و هم عشق). و) نشانه‌شناسی بدن و فضای اجتماعی شامل: زبان بدن (حرکات دست، حالات چهره) به عنوان نظام نشانه‌ای. ز) نشانه‌شناسی و هرمنوتیک که از رابطه بین تفسیر متن (هرمنوتیک) و تحلیل نشانه‌ها (سیمپولوژی). ح) کاربردهای عملی نشانه‌شناسی شامل کاربرد در تبلیغات (طراحی لوگوها با بار معنایی خاص)، در ادبیات (تحلیل نمادها در رمان‌ها) و در علوم شناختی. پس نشانه‌شناسی به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که چگونه معنا ساخته و منتقل می‌شود؟ این دانش با نگاهی بین‌رشته‌ای، از فلسفه و زبان‌شناسی تا رسانه و هنر را دربر می‌گیرد.

۲-۱- نشانه‌شناسی نفس

نشانه‌شناسی به علمی با روش‌های روشن و حوزه‌ای غنی از دانش تبدیل شده و تمام حوزه‌های فعالیت فرهنگی انسان را مطالعه می‌کند. یکی از گسترده‌ترین تعاریف نشانه‌شناسی، گفته اومبرتو اکو است: «نشانه‌شناسی به معنای هر چیزی است که بتوان آن را نشانه دانست» (کورتس، ۲۰۰۷: ۲۸) چارلز موریس آن را اینگونه تعریف کرد: «علمی که علوم دیگر را هماهنگ می‌کند و چیزها یا ویژگی‌های چیزها را در استفاده از نشانه‌ها مطالعه می‌کند.» بنابراین، نشانه‌شناسی ابزار همه علوم (علم علوم) است، به این معنی که علمی است که توصیف می‌کند یا علم علوم دیگر است؛ لذا می‌توان برای آن اقسام مختلفی را در نظر گرفت:

الف) نشانه‌شناسی ارتباطی: این مطالعه بر روش‌های ارتباط، یعنی ابزارهایی که برای تأثیرگذاری و برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌شود، تمرکز دارد. انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند و باید با اطرافیان خود ارتباط برقرار کنند. بنابراین، از دیدگاه نشانه‌شناسی، زبان یک سیستم ارتباطی است.

ب) نشانه‌شناسی معنایی: معناشناسی خود بر دو نوع است: بیانی و دلالتی. این دو مفهوم از «همسلف» پدیدار شدند که بین دو سطح تمایز قائل شد: سطح بیانی و سطح دلالتی. سطح بیانی به هیچ وجه نمی‌تواند یک نظام نشانه‌شناختی را تشکیل دهد، در حالی که سطح دلالتی از طریق تولید معانی، نظام را تشکیل می‌دهد. «با این حال، غیرقابل تصور است که معنای دلالتی بتواند بدون تکیه بر معنای تحت‌اللفظی، که پایه اساسی آن را تشکیل می‌دهد، پدید آید.» بنابراین، چنین مفاهیمی که به مطالعات زبان‌شناسی و سبک‌شناسی سود رسانده‌اند، نقش مهمی در مطالعات نشانه‌شناسی در کشف معانی متعدد ایفا کرده‌اند که منجر به خوانش اکتشافی می‌شود که به وحدت معنا اعتقاد دارد، زیرا دال‌ها محمول‌های معنایی چندگانه تولید می‌کنند. (رباعه، ۲۰۱۰: ۱۳) می‌توان گفت که بین معنای اخباری و معنای اشاره‌ای تفاوت وجود دارد. معنای اخباری صرفاً ماهیت ارجاعی دارد، به این معنا که فقط به معنای لغوی اشاره دارد. در مورد دلالت ضمنی تلقین، این واژه هم معنای عاطفی و هم معنای احساسی را در بر دارد. برای مثال، کلمه "گل رز" ممکن است فقط معنای لغوی خود را داشته باشد، اما در بافتی دیگر، ممکن است معنای ضمنی عشق، عاشقانه، معشوق، شادی، خوش‌بینی و غیره را در بر داشته باشد.

نشانه‌شناسی معنایی، تلاش‌های خود را بر مطالعه نظام‌های معنا متمرکز می‌کند و معنا با فرآیند تلقین پیوند نزدیکی دارد. پدیده‌های معنایی چیزی جز یک نظام پیچیده از نشانه‌ها یا نمادها نیستند، با توجه به اینکه زبان وسیله ارتباط و انتقال دانش است.

ج) نشانه‌شناسی ادبی: اصطلاح دیگری که منتقدان استفاده می‌کنند، نشانه‌شناسی ادبی است، «کارکرد اصلی آن مطالعه ادبیات از طریق یک اثر ادبی واحد، به عنوان گونه‌ای از اصطلاح ادبیات است. این یک اثر مستقل است که دو نظام را با هم ترکیب می‌کند: نظام زبانی و نظام ادبی...» (المرتجی، ۱۹۸۷: ۳۴) این از منظر نشانه‌شناسی به این معنا است که «علاقه به نشانه یا دلالت، طبق اصطلاح سوسور، بخشی از علاقه به متن است که نظامی از نشانه‌هاست» (خمزی، ۲۰۰۷: ۲۳) متن «به عنوان یک نظام مستقل از نشانه‌ها، با جهان، جایی که واحدهای دلالتگر درون آن وارد یک رابطه متقابل با یکدیگر می‌شوند، متفاوت است... متن به عنوان یک نظام و معناشناسی در سازمانی متفاوت از واقعیت وجود دارد.» (المرتجی، ۱۹۸۷: ۳۵)

د) نشانه‌شناسی «پیرس»: اهمیت آن در «این واقعیت نهفته است که مبتنی بر منطق، ریاضیات و پدیدارشناسی است و در این واقعیت که از خودی نشأت می‌گیرد که با علوم محض و علوم انسانی مشغول است. پیرس پیش از تدوین نشانه‌شناسی، ریاضیات، شیمی، منطق و فلسفه خوانده بود... پیرس پدیدارشناسی خود را با دادن نام «سراسرینی» به آن، از پدیدارشناسی «کوهن و هگل» متمایز کرد. او برای درک و تعریف آن بر اساس اصطلاحات واقع‌گرایانه تلاش کرد... این توصیفی از آنچه ذهن یا آگاهی است، بر اساس آنچه در انواع مختلف آگاهی ظاهر می‌شود، است» (محفوظ: ۲۰۰۸: ۳۱-۳۲)

نفس در قرآن کریم به چهار حالت توصیف شده است: القائنات نفسانی، وسوسه، تسویل و امر به بدی. خداوند متعال در مورد القائنات نفسانی می‌فرماید: «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (اعراف، ۲۰۰)

نفس و تمایلات نفسانی در قرآن کریم به تمایلات عقلانی تقسیم می‌شود که به هر چیزی که ذهن و عقیده انسان را از ایمان و باور باز می‌دارد، اشاره دارد. این تمایلات شامل تمایلات به کفر، شرک، نفاق، فریب، عجله و شک می‌شود. سپس تمایلات عاطفی است که با احساسات سالم فرد تداخل می‌کنند و منجر به انحراف می‌شوند، مانند تکبر، حسادت، غرور و خشم. تحلیل نشانه‌شناختی کلمه «نفس» در قرآن کریم، دلالت‌های ضمنی عمیق و چند وجهی را آشکار می‌کند، از جنبه جسمانی تا روحانی، فردی تا جمعی، و همچنین درجات معنایی بین خیر و شر، آرامش و اضطراب را نشان می‌دهد. رویکرد نشانه‌شناسی رویکردی چندوجهی است، زیرا متونی را مطالعه می‌کند و عناصر متنوع اما به هم پیوسته‌ای مانند زبان‌شناسی ساختاری، فایده‌گرایی

معنایی و زیبایی‌شناسی هنری را در بر می‌گیرد. این رویکرد با علوم مختلف دیگر، از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی و تاریخ، ارتباط برقرار می‌کند. این رویکرد نقش برجسته‌ای در جلب توجه خواننده به عناصر خاص درون متن ایفا می‌کند و او را قادر می‌سازد تا معانی آنها را درک و تحلیل کند. این اثر بر چند اصول استوار است: اول: تحلیل درون‌ماندگار: که به دنبال روابط به هم پیوسته بین عناصری است که معنا را تولید می‌کنند، در حالی که تمام عناصر خارجی را حذف می‌کند. دوم: تحلیل ساختاری: «نشانه‌شناسان ساختاری به دنبال نگاه کردن به فراتر یا زیر سطح شیء مورد مطالعه برای کشف سازماندهی پدیده‌های زیربنایی هستند. هرچه سازماندهی ساختاری یک متن یا کد آشکارتر باشد، احتمال اینکه ببینیم چه چیزی در ورای ویژگی‌های سطحی نهفته است، دشوارتر است» (دنیل، ۲۰۰۸: ۳۵۸) سوم: تحلیل گفتمان: تحلیل نشانه‌شناسی بر گفتمان به عنوان نظامی برای تولید گفته‌ها تمرکز دارد.

یکی از معانی اساسی این واژه، خود و هویت است. «نفس» به معنای خود یا خود شخص به کار می‌رود: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام، ۱۵۱) ترجمه «و نفسی را که خدا حرام کرده است، جز به حق نکشید» در اینجا، به انسان به عنوان یک موجود مقدس و دارای تقدس اشاره دارد. بر این اساس یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از نفس در قرآن می‌توان ارائه کرد: نفس اماره: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف: ۵۳) «در واقع، نفس به بدی تحریک‌کننده است». این نماد امیال و غرایز دنیوی است که منجر به شر می‌شوند. نفس لوامه: «لَا أُفْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامه: ۱-۲) «قسم به روز قیامت و قسم به نفس لوامه». در اینجا، نفس به عنوان وجدانی ظاهر می‌شود که صاحب خود را به خاطر کاستی‌ها سرزنش می‌کند و نشان دهنده توانایی تأمل اخلاقی است. نفس مطمئنه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر: ۲۷-۲۸) «ای نفس مطمئنه، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد». این نفس نماد نفسی است که به آرامش معنوی و ایمان کامل دست یافته است.

همچنین، دلالت بر روح بین زندگی و مرگ دارد. «نفس» گاهی به معنای روح یا حیات به کار می‌رود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...» (زمر: ۴۲) «خداوند ارواح را هنگام مرگشان می‌گیرد». در اینجا، با مفهوم «روح» همپوشانی دارد، اما با تمرکز وجودی.

«نفس» ممکن است به معنای نژاد بشر یا گروهی از مردم باشد (ارشد ریاحی، ۱۳۸۰: ۱۸): «وَاتَّقِ اللَّهَ وَخُفِيَ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب: ۳۷) «و از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسید، در حالی که شایسته‌تر است که از خدا بترسید» از دیگر دلالت‌های روح به عنوان ظرف احساسات و اخلاق که دلالت بر حالات روانی دارد: «...وَلَا تَحْزَنْ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ...» (طه/ ۴۰) و غم نخورد و شخصی را کشتی و تو را از اندوه رهانیدیم» ترس: «نفس می‌ترسد» و حرص: «به راستی که نفس، محرک سرسخت بدی است» قناعت: «خوشایند و دلپذیر». نشانه‌شناسی نیز همین تجدید و تکرار معنایی را نشان می‌دهد. این یکی از «مبانی تفسیر نشانه‌شناختی» است، زیرا تفسیر با تکرار معنایی که خواننده تلاش می‌کند درک کند، علی‌رغم ابهام و پیچیدگی گاه به گاه آنها، ارتباط نزدیکی دارد. بنابراین، جستجوی معنای تجدید شده، افق‌های وسیع یا بی‌نهایت را برای تفسیر می‌گشاید. (رباعه، ۲۰۱۰: ۲۵). با توجه به اینکه سازوکارهای تفسیر نشانه‌شناختی تلاش می‌کنند به معنا برسند، «لازم است بر تضاد، جایابی، شباهت، تضاد، شکاف‌ها،

بینامتنیت و سایر عناصری که می‌توانند سازوکارهایی در نظر گرفته شوند که تفسیر نشانه‌شناختی برای نزدیک شدن به متون از آنها استفاده می‌کند، تمرکز شود» (همان، ۲۸)

۲-۲-۲- نفس اماره

نفس اماره، در فلسفه و عرفان اسلامی، به حالتی از روح انسانی گفته می‌شود که به سمت اعمال زشت و گناهان سوق داده می‌شود و تمایل به لذت‌های دنیایی دارد. به عبارت دیگر، نفس اماره به نوعی نفس است که به انسان امر به بدی و زشتی می‌کند. ساختار «نفس اماره» نشانه‌ای را تشکیل می‌دهد که نشان دهنده جنبه سرکش فرد است که او را به گناه وا می‌دارد. معنای دینی (قرآنی) این تعبیر در قرآن کریم در زمینه توصیف انسان و خواسته‌هایش آمده است: «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» (یوسف: ۵۳) «و من خود را تبرئه نمی‌کنم. همانا نفس، پیوسته به بدی فرمان می‌دهد، مگر آنچه پروردگارم رحم کند.» این آیه بخشی از داستان حضرت یوسف (ع) است. پس از اثبات بی‌گناهی یوسف، همسر عزیز (که یوسف را خرید) اعتراف می‌کند که او کسی بوده که سعی در اغوای او داشته است. این آیه، طبیعت نفس انسان را «امر به منکر» توصیف می‌کند، به این معنی که مکرراً مردم را به ارتکاب اعمال زشت و ناپسند امر و تشویق می‌کند، مگر اینکه با ایمان و تقوا تربیت شود. در تحلیل نشانه‌شناسی این تعبیر در زمینه تولید معنا، «نفس اماره» دال است و ایده میل و ضعف انسان مدلول است. مرجع آن، مفهوم اخلاقی در اسلام، یعنی مبارزه بین خیر و شر در درون انسان. نشانه و علامتی که در اینجاست، این اصطلاح را به معنای اخلاقی پیوند می‌دهد و شبکه‌ای از معانی ضمنی پیرامون گناه، توبه و رحمت الهی ایجاد می‌کند. این بر اساس یک تحلیل ساختاری است. «نشانه‌شناسان ساختاری به دنبال نگاه کردن به فراتر یا زیر سطح شیء مورد مطالعه برای کشف سازماندهی پدیده‌های زیربنایی هستند. هرچه سازماندهی ساختاری یک متن یا کد آشکارتر باشد، احتمال اینکه بینیم چه چیزی در ورای ویژگی‌های سطحی نهفته است، دشوارتر است» (دنیل، ۲۰۰۸: ۳۵۸).

«نفس اماره» در زمینه فرهنگی و نمادین دارای علامت و نشانه است. در تصوف و فلسفه اسلامی، «نفس اماره» در پایین‌ترین سطح نفس در مقابل «نفس مطمئنه» قرار می‌گیرد. از جنبه نمادگرایی یک تضاد درونی در عبارت است، نفس اماره به عنوان دشمنی پنهان (مانند نماد شیطان در فرهنگ دینی) به تصویر کشیده شده است. (صنعتکار، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۴) در تفسیر طبری آمده است: نفس ذاتاً به سوی شهوات گرایش دارد، مگر کسانی که خداوند به آنها رحم کند. اگر بنده‌ای آن را با ایمان و عمل صالح پاک نکند، او را به سوی شر سوق می‌دهد و ابن کثیر گفته است: «این آیه نشان می‌دهد که نفس انسان، به ذات خود، به سوی شر گرایش دارد، مگر کسانی که خداوند آنها را محافظت و هدایت کرده است.» این آیه یک سیستم نشانه‌شناختی یکپارچه را تشکیل می‌دهد: یک نشانه هشدار دهنده (نفس اماره)، نشانه امید (استثنا از طریق رحمت)، نشانه تضاد (خود در مقابل وجدان) این امر آن را به الگویی برای نشانه‌شناسی گفتمان قرآنی تبدیل می‌کند که زبان، مفهوم و واقعیت روانشناختی انسان را به هم پیوند می‌دهد.

تقابل دوتایی برای واژه در سوره قیامت با «نفس لوامه» (که از گناه پشیمان است) در تضاد است. بر اساس مدل نشانه‌شناسی پیرس می‌توان بدین صورت تحلیل کرد: نماد: این عبارت با معنایی مورد توافق در فرهنگ اسلامی مرتبط است. شمایل: ممکن است تصویر فردی را که به گناه وسوسه می‌شود، تداعی کند. فهرست: حضور آن در قرآن، آن را گواهی بر اجتناب‌ناپذیری ضعف انسان می‌کند. در نشانه‌شناسی پیرس «این واقعیت نهفته است که مبتنی بر منطق، ریاضیات و پدیدارشناسی است و در این واقعیت که از خودی نشأت می‌گیرد که با علوم محض و علوم انسانی مشغول است. پیرس پیش از تدوین نشانه‌شناسی، ریاضیات، شیمی، منطق و فلسفه خوانده بود... پیرس پدیدار شناسی خود را با دادن نام «سراسر بینی» به آن، از پدیدارشناسی کوهن و

هگل متمایز کرد. او برای درک و تعریف آن بر اساس اصطلاحات واقع‌گرایانه تلاش کرد... این توصیفی از آنچه ذهن یا آگاهی است، بر اساس آنچه در انواع مختلف آگاهی ظاهر می‌شود، است» (محموظ، ۲۰۰۸: ۳۱-۳۲) بر این اساس، «نفس اماره» می‌تواند تغییر معنایی در کاربرد مدرن داشته باشد. این عبارت ممکن است امروزه در خارج از زمینه‌های مذهبی برای توصیف تمایلات سرکش یا وسوسه‌های مادی استفاده شود و معنای نشانه‌شناختی خود را گسترش دهد تا امر مقدس را با امر روزمره پیوند دهد. پس می‌توان گفت که «نفس اماره» یک نماد نشانه‌شناختی غنی است که مواردی چون تضاد اخلاقی درونی، دوگانگی (شر در مقابل عقل) در گفتمان دینی، و بُعد نمادینی که در گفتمان‌های تربیتی و عرفانی به آن استناد می‌شود را منعکس کند. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه زبان معانی چندلایه‌ای را از متن مقدس گرفته تا کاربردهای روان‌شناختی و اجتماعی تولید می‌کند. از جنبه نمادین، روح به عنوان مبارزه‌ای بین خیر و شر است. در تفاسیر شیعه، «نفس اماره» به بخشی از وجود انسان گفته می‌شود که دائماً به بدی و گناه امر می‌کند. این مفهوم از آیه ۵۳ سوره یوسف گرفته شده است که در آن به «نفس اماره به سوء» اشاره شده است. به عبارت دیگر، نفس اماره حالتی نفسانی است که انسان را به سمت گناه و نافرمانی سوق می‌دهد و از پیروی از عقل و دستورات الهی باز می‌دارد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۳۵۷/۳۱) این روح، عرصه درگیری درونی انسان را نشان می‌دهد، مانند داستان یوسف (ع). روح به عنوان موهبتی الهی است و این نشان می‌دهد که تعالی روح با تزکیه آن (پاکسازی اخلاقی) مرتبط است. همان طور که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا» (شمس، ۹). این کلمه در قرآن دارای یک شبکه معنایی پیچیده است که مفهوم فردی (خود) و جهانی (نسل بشر)، مادی (زندگی/ مرگ) و معنوی (آرامش یا سرزنش) و نیز مسأله ثابت (تقدس روح) و متغیر (تزکیه یا هتک حرمت آن) را به هم متصل می‌کند. این نشان دهنده دیدگاه جامع قرآن نسبت به انسان است که جسم و روح، فرد و جامعه، دنیا و آخرت را با هم ترکیب می‌کند.

یکی دیگر از مصادیق نفس اماره، عناد است که در فرهنگ اسلامی به معنای لجاجت و ستیزه‌جویی با حق و حقیقت به کار رفته است. این صفت در مقابل هدایت و ایمان قرار دارد و از صفات ناپسند و مذموم در دیدگاه اسلامی است. قرآن به کرات به این موضوع اشاره کرده و لجاجت و عناد با آیات الهی را از عوامل گمراهی و دوری از رستگاری می‌داند. از مصادیق آن در فرموده خداوند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره، ۶) و نیز در داستان حضرت نوح «...فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...» (عنکبوت، ۱۴) داستان نوح از وقایع بسیاری بافته شده است. لجاجت قوم او در روابط بین وقایع زیر آشکار است: (تنوع روش‌های تبلیغ، تنوع زمان‌ها، فراوانی شواهد و استدلال‌ها برای وجود خدا و لزوم پرستش او، وسوسه پاداش و هشدار به عذاب و شکنجه). این وقایع در روابط ساختاری و در هم تنیده به هم پیوسته‌اند تا میزان تلاش‌های نوح برای متقاعد کردن قومش را نشان دهند. در مقابل، عناصر تصویر دیگری با هم ترکیب می‌شوند تا رد دعوت او توسط قومش را از طریق موارد زیر نشان دهند: (گریز آنها از دعوت، بستن گوش‌هایشان، پوشاندن خود با لباس‌هایشان، اصرار و تکبر آنها نسبت به دعوت و مؤمنان، فریب و پیروی آنها از اربابانشان، و پایبندی و پرستش بت‌هایشان). این وقایع به هم پیوسته‌اند تا تصویر اصرار آنها بر رد دعوت را تشکیل دهند. برخلاف این، تصویری وجود دارد که اصرار نوح بر رساندن پیام و دعوت قومش را بدون جدا کردن دو تصویر به دلیل همپوشانی قابل توجه آنها از هم نشان می‌دهد و به وضوح میزان لجاجتی را که مشخصه این گروه از مردم است، آشکار می‌کند. شخصیت قوم نوح، شخصیت «فعال» داستان است که برای اجرای نقشه به شایستگی نیاز دارد. (کورتس، ۲۰۰۸: ۵۳) این گرایش به لجاجت در اعمال و سخنان شخصیت مشهود است. وجود شایستگی در این شخصیت، از طریق اصرار بر بت‌پرستی، آن را به شخصیتی تبدیل می‌کند که قادر است با داشتن گرایش به لجاجت، رویدادها را هدایت کند و سپس نقش‌های فعالی را که منعکس‌کننده این ویژگی هستند، ایفا کند. شکی نیست که گرایش به لجاجت، که در پشت گفته‌های داستان پنهان است.

برخی دیگر از مصادیق نفس اماره که در متون اسلامی به آنها اشاره شده عبارتند از: تمایل به گناه و نافرمانی: نفس اماره انسان را به انجام کارهای زشت و ناپسند وادار می‌کند، مانند دروغ‌گویی، غیبت، تهمت، حسد، بخل. غفلت از یاد خدا: این نفس انسان را از توجه به خداوند و آخرت دور می‌کند و باعث می‌شود که انسان غرق در لذات دنیوی شود. تکبر و خودبینی: نفس اماره انسان را به تکبر و خودبینی مبتلا می‌کند و باعث می‌شود که انسان خود را برتر از دیگران بداند. حرص و طمع: این نفس انسان را به حرص و طمع در مال و مقام وادار می‌کند و باعث می‌شود که انسان هیچگاه سیر نشود. شهوت‌پرستی: نفس اماره انسان را به دنباله‌روی از شهوات و لذات نفسانی می‌کشاند و باعث می‌شود که انسان از مسیر درست منحرف شود. ترس از مرگ و فقر: این نفس انسان را از مرگ و فقر می‌ترساند و باعث می‌شود که انسان از انجام کارهای نیکو و خیرخواهانه باز بماند. حسادت: نفس اماره انسان را به حسادت نسبت به دیگران وادار می‌کند و باعث می‌شود که از نعمت‌های دیگران ناراحت شود. (کیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵) عدم صبر و شکیبایی: این نفس انسان را به بی‌صبری و بی‌تابی در برابر مشکلات و سختی‌ها وادار می‌کند. فریبکاری و ریاکاری: نفس اماره انسان را به فریبکاری و ریاکاری در گفتار و کردار وادار می‌کند. عجله و شتاب‌زدگی: این نفس انسان را به عجله و شتاب‌زدگی در امور وادار می‌کند و باعث می‌شود که کارهای خود را نسنجیده انجام دهد. به طور کلی برای نفس اماره از منظر نشانه‌شناسی می‌توان جدول زیر را متصور شد:

نشانه	معنای نشانه‌شناختی	ارتباط با سایر نشانه‌ها
روح	خودِ پست / جنبه مادی	مقابل «روح» یا «ذهن»
نشانه	پافشاری و تقاضای مکرر	بیان مبالغ اغراق‌آمیز هیمنه می‌دهد
(نشانه‌ای از قدرت و کنترل)		
بد	نظم نمادین شر/انحراف	متضاد «درستکاری» یا «تقوا»

۳-۲- نفس لوامه

نفس لوامه در قرآن به معنی «نفس سرزنش‌گر» است که پس از انجام گناه یا عمل نامناسب، انسان را سرزنش و ملامت می‌کند. این حالت نفسانی، انسان را به سمت پشیمانی و بازگشت به مسیر درست ترغیب می‌کند. مصادیق نفس لوامه به معنای حالات و موقعیت‌هایی است که در آن نوع نفس در انسان فعال می‌شود. تحلیل نشانه‌شناختی تعبیر «نفس لوامه» در قرآن کریم مستلزم بررسی معانی زبانی، بافتی و نمادین این عبارت و در عین حال پیوند آن با نظام ارزشی اسلام است. ساختاری زبانی «نفس لوامه» از ترکیب دو کلمه با دلالت‌های عمیق تشکیل شده است. «نفس» (خود، روح، انسان) و مدلول آن نفسی که خود را به خاطر کاستی‌ها سرزنش می‌کند، دیگران را سرزنش می‌کند یا توسط خدا سرزنش می‌شود.

اصطلاح «نفس لوامه» در قرآن چنین آمده است: «وَلَا تُفْسِمُ بِاللِّوَامَةِ» (قیامت، ۲) «و سوگند به نفس لوامه». یعنی نفسی که صاحب خود را به خاطر عدم اطاعت یا ارتکاب گناه سرزنش می‌کند. واژه «نفس» به خود، روح یا جنبه روانی انسان اشاره دارد. تعبیر آن در قرآن متنوع است و «لوامه» به معنای سرزنش یا ملامت به معنای مبالغه است، زیرا نفس در اینجا مکرراً صاحب خود را سرزنش می‌کند. نفس در اینجا مظهر وجدان انسانی است که فرد را به خاطر کاستی‌هایش سرزنش می‌کند و کشمکش درونی بین خیر و شر یا بین توبه و گناه را آشکار می‌کند. در معنای نمادین و نشانه‌شناسی، نماد اخلاق و مسئولیت است. نفس لوامه نمایانگر آگاهی اخلاقی است که صاحب خود را مسئول می‌داند. این مرحله میانی بین «نفس اماره» (که به سوی شر وسوسه می‌کند) و «نفس مطمئنه» (که به خیر راضی است) است. یکی از کارکردهای آن اشاره به توبه است. سرزنش مکرر می‌تواند راهی برای اصلاح باشد و آن را به نشانه مثبتی از تشخیص اشتباهات و تلاش برای جبران آنها تبدیل می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۷۲: ۱۶۵/۲۰)

ارتباط نمادین این تعبیر با روز رستاخیز حائز اهمیت است. سوگند به آن، به ما یادآوری می‌کند که شخص قبل از اینکه در روز رستاخیز مورد حسابرسی قرار گیرد، خود را پاسخگو خواهد دانست و این امر ایده خود پاسخگویی را تقویت می‌کند. همچنین روابط نشانه‌شناختی با سایر مفاهیم از آن استنباط می‌شود. از جمله وجدان در اندیشه اسلامی؛ نفس لوامه با «وجدان» یا «روح سرکش» در سایر متون دینی مقایسه می‌شود و نیز ممکن است مرحله‌ای ضروری در نردبان تهذیب نفس باشد همان طور که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس، ۹). ابن کثیر آن را نفسی می‌داند که صاحب خود را به دلیل ترک خیر یا ارتکاب شر، چه در این دنیا و چه پس از مرگ، سرزنش می‌کند. (ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۸۷/۵) این، یکی از نشانه‌های خداوند در درون انسان است. این نشانه‌ای از فطرت سلیم است که حق را به یاد می‌آورد و هنگام خطا پشیمان می‌شود. نشان می‌دهد که برخی افراد نفس لوامه دارند (نفس مؤمنی که صاحب خود را به خوبی‌ها یادآوری می‌کند) در حالی که برخی دیگر مستعد بدی هستند (که آنها را به ارتکاب گناهان وسوسه می‌کند) و طبری آن را به سرزنش خود کافر در روز قیامت، زمانی که توبه می‌کند، مرتبط می‌داند. (طبری، ۱۳۵۶: ۱۵۲/۳) علمای معاصر نیز آن را بیانگر مبارزه روانی می‌داند که منجر به کمال اخلاقی می‌شود.

در تحلیل نشانه‌شناسی، «نفس لوامه» نشانه‌ای است که بیانگر اضطراب وجودی در مواجهه با مسئولیت الهی، جنبه انسانی که قادر به توبه و تغییر است، حرکت درونی بین گناه و فضیلت، این نه کاملاً منفی است (مانند کسی که به شر گرایش دارد) و نه ایده‌آل (مانند کسی که نفس راضی است) بلکه حالتی میانی است که پویایی روح انسان را در سفرش به سوی شخصیت والا نشان می‌دهد. علاوه بر این، نفس لوامه به عنوان یک «نشانه و نماد» است برای این که مبارزه درونی انسان بین خیر و شر را تجسم بخشد چیزی شبیه به نشان «من و فرمان» در روانکاوی. از طرفی نمایانگر آگاهی اخلاقی است که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند و در نهایت این که ارتباط با سوگند الهی دارد. سوگند به «نفس» به جای پدیده‌های کیهانی (مانند خورشید یا شب) محوریت انسان را در گفتمان قرآنی برجسته می‌کند.

این نفس دارای برخی گرایش‌های عقلانی است. گرایش‌های عقلانی تلاش‌هایی هستند که روح انسان برای فاصله گرفتن از ایمان حقیقی و سالمی که با آن متولد شده است، و تسلیم شدن در برابر آموزه‌های دینی و تمام مسائل اعتقادی که ذیل آن قرار می‌گیرند، انجام می‌دهد. از جمله این گرایش‌ها مسأله فریب است. تمایل به فریب در میان پیروان سبت ظاهر شد. خداوند متعال داستان این افراد را در سه جای قرآن کریم ذکر کرده است: سوره بقره، سوره نساء، و داستان در چهار آیه در سوره اعراف به تفصیل آمده است. (اعراف، ۱۶۳-۱۶۶) تمایل به فریب در اینجا از طریق اشاراتی که مفسران از طریق حدیث توضیح داده‌اند، آشکار شده است.

این تعبیر در فرهنگ اسلامی نماد ذهن نقادی است که با نفس به عدالت می‌رسد و یک نظام نشانه‌شناختی را تشکیل می‌دهد که مسئولیت انسان در قبال اعمال خود، آمادگی برای روز قیامت، توانایی منحصر به فرد انسان در آگاهی و خودانتقادی را منعکس می‌کند. بنابراین، «نفس لوامه» فقط یک کلمه نیست، بلکه یک نماد نشانه‌شناختی است که درهایی را برای تفسیر در مورد انسانیت و عدالت الهی می‌گشاید.

۴-۲- نفس مطمئنه

نفس مطمئنه در اصطلاح قرآنی به نفسی گفته می‌شود که به درجه‌ای از یقین و آرامش رسیده و از اضطراب و نگرانی رها شده است. این نفس، به واسطه ایمان قوی و عمل صالح، به خداوند متعال اطمینان دارد و در همه حال به او توکل می‌کند. می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر، ۲۷) خطاب به روح انسانی است که از طریق ایمان و توحید به بالاترین مراتب اطمینان و آرامش رسیده و در یقین ساکن شده و قضا و قدر الهی را پذیرفته است. «المطمئنه» یعنی کسی که به خدا آرامش یافته، از شک و تردید رهایی یافته و در همه حال به پروردگارش توکل کرده است. به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو از او خشنود و مورد رضایت او هستی. هنگام مرگ یا در روز رستاخیز، این روح فراخوانده می‌شود تا به سوی خدا بازگردد. راضی: از خدا و از سعادت و حکمتی که به او داده است، راضی است. و نیز راضی از خدای متعال؛ زیرا او را اطاعت کرده و اعمال صالح انجام داده است. «پس در میان بندگان من وارد شو / و وارد بهشت من شو» به او گفته می‌شود که به صف بندگان صالح من (مانند پیامبران، صدیقان و شهدا) بپیوندد. سپس او را به عنوان پادشاه ایمان و اعمال صالحش به بهشت، سرای سعادت ابدی، وارد می‌کنند.

تحلیل نشانه‌شناختی کلمه «نفس مطمئنه» یا (روح مطمئنه) در قرآن کریم مستلزم بررسی دلالت‌های زبانی و نمادین آن، بافت قرآنی و تعامل متنی با سایر مفاهیم است. «نفس»، به خود، روح یا جنبه درونی یک فرد اشاره دارد و «مطمئنه» به معنای آرامش، سکون و ثبات است. این کلمه برای نشان دادن آرامش خاطر پس از اضطراب استفاده می‌شود، همانطور که در قرآن آمده است: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» (رعد: ۲۸). اصطلاح «نفس مطمئنه» در آیه‌ای که خطاب به مؤمن در هنگام مرگ است، ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر، ۲۷-۲۸). «ای نفس مطمئنه، به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو خشنود و از او خشنودی» متن نشان می‌دهد که این نفس به حالت رضایت کامل از قضای الهی رسیده است و آماده ملاقات با او بدون ترس است. اهمیت نمادین و نشانه‌ای آن نشان دهنده اوج تکامل اخلاقی و معنوی انسان است که از مبارزه با امیال (نفس اماره) و سرزنش وجدان (نفس لوامه) فراتر می‌رود. این آیه «آرامش خاطر» را با «بازگشت به سوی پروردگار» مرتبط می‌کند و مرگ را به جای یک پایان، به یک گذار به مرحله‌ای بالاتر تبدیل می‌کند. از طرفی از جنبه دینی، نفس مطمئنه، ثمره عبادت و ذکر است، همانطور که در قرآن (رعد: ۲۸) «آگاه باشید، با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» آمده است. در بعد وجودی، تجسم وضعیت فردی است که هدف خود را در هستی یافته است (رضایت از خدا به عنوان پروردگار) و در بعد اجتماعی، ممکن است نشان دهد که جامعه مؤمنان از طریق حمایت معنوی در دستیابی فرد به این مرحله نقش دارند.

پس «نفس مطمئنه» نمادی از کمال ایمان است، جایی که هماهنگی بین اراده انسان و اراده الهی حاصل می‌شود. این عبارت بیانگر آرامش درونی، سازگاری با سرنوشت، آمادگی برای ملاقات با خداست. این معانی ضمنی به این اصطلاح بُعد وجودی عمیقی در گفتمان قرآنی می‌دهد و الگویی ایده‌آل از انسانی ارائه می‌دهد که هدف خلقت خود را محقق کرده است. مفسرانی مانند علامه طباطبایی در میزان با رویکردی تحلیلی به ارتباط بین آیات و نشانه‌ها پرداخته‌اند. همچنین عرفا مانند ابن عربی با نگاهی نمادین، قرآن را کتابی از نشانه‌های الهی برای سالکان راه حق می‌دانند.

از منظر نشانه‌شناسی این یک تحلیل درون‌ماندگار است که به دنبال روابط به هم پیوسته بین عناصری است که معنا را تولید می‌کنند، در حالی که تمام عناصر خارجی را حذف می‌کند. از جنبه تحلیل ساختاری، «نشانه‌شناسان ساختاری به دنبال نگاه کردن به فراتر یا زیر سطح شیء مورد مطالعه برای کشف سازماندهی پدیده‌های زیربنایی هستند. هرچه سازماندهی ساختاری یک متن یا کد آشکارتر باشد، احتمال اینکه ببینیم چه چیزی در ورای ویژگی‌های سطحی نهفته است، دشوارتر است» (دنیل، ۲۰۰۸: ۳۵۸) از منظر تحلیل گفتمانی، تحلیل نشانه‌شناسی بر گفتمان به عنوان نظامی برای تولید گفته‌ها تمرکز دارد و به نویسنده متن نمی‌پردازد، بلکه هدف اصلی آن جستجوی معنا از طریق ساختار است. بنابراین، متن واسازی و از نو بازسازی می‌شود؛ چرا که متن شامل «نشانه‌هایی مملو از معانی است که نیاز به خواندن و تفسیر دارند... بنابراین، نشانه‌شناسی در خود نشانه متوقف نمی‌شود، بلکه به دنبال کشف معانی آن است... خوانش نشانه‌شناختی هدفش روشن کردن جهان‌های ظاهری برای نشانه نیست، بلکه تلاش می‌کند تا این نشانه را از طریق یک دیدگاه تفسیری بر اساس این واقعیت تفسیر کند که متن به عنوان یک کل، یک نشانه یا گروهی از نشانه‌ها است که مرتبط به هم و در هم تنیده‌اند تا دیدگاه پایدار در اعماق متن را آشکار کنند. این امر از طریق ابزارهایی که خالق اثر در متن خود به کار برده است، محقق می‌شود.

پس روح در اینجا نشانه پیچیده‌ای است که نماد مبارزه درونی انسان و دستیابی او به مرحله‌ای از «آرامش» است. این واژه در قرآن با نشانه‌های دیگری مانند «نفس اماره» (یوسف: ۵۳) در تضاد است. ضمن این که نشانه دینی ایمان کامل و پذیرش سرنوشت مانند آیه: «آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» است. از جنبه نشانه وجودی، دستیابی به آرامش درونی پس از مبارزه با شک یا رنج است. آیه بخشی از نتیجه‌گیری سوره فجر است که داستان‌هایی از پاداش و مجازات (مانند قوم عاد و فرعون) را ذکر می‌کند و «نفس آرام» را در مقابل «نفس ظالم» نشانه‌ای از رستگاری قرار می‌دهد. در میراث اسلامی، این آیه در زمینه مرگ خوانده می‌شود و نشانگر گذار از دنیای اضطراب به دنیای یقین است. «نفس مطمئنه» در مقابل «نفس سرزنشگر» (در آیه بعدی) دوگانگی اضطراب/آرامش را آشکار می‌کند. لذا آیه یک سیستم نمادین را تشکیل می‌دهد که سفر انسان از اضطراب به آرامش از طریق ایمان را تجسم می‌بخشد. «نفس مطمئنه» نشانه‌ای از کمال وجودی است که از مادی به معنوی فراتر می‌رود. از طریق نشانه‌شناسی، می‌بینیم که این آیه صرفاً بلاغت نیست، بلکه یک ساختار معنایی است که فلسفه قرآن را در مورد ایجاد تعادل بین نفس انسان بین شک و یقین، در عین حال ارتقاء ارزش آرامش به عنوان یک هدف معنوی، منعکس می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳- نتیجه گیری

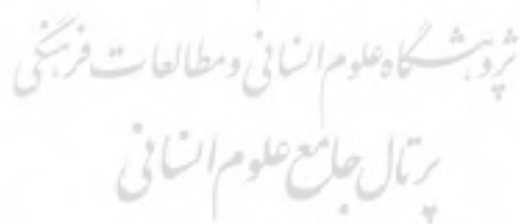
- تحلیل نشانه‌شناختی کلمه «نفس» در قرآن کریم، دلالت‌های ضمنی عمیق و چندگانه‌ای را آشکار می‌کند، از جسمانی تا روحانی، فردی تا جمعی، و همچنین درجات معنایی بین خیر و شر، آرامش و اضطراب را نشان می‌دهد.

- کلمه «نفس» در قرآن دارای یک شبکه معنایی پیچیده است که این موارد را به هم متصل می‌کند: فردی (خود) و جهانی (نسل بشر)، مادی (زندگی/مرگ) و معنوی (آرامش یا سرزنش)، ثابت (تقدس روح) و متغیر (تزکیه یا هتک حرمت آن). این نشان دهنده دیدگاه جامع قرآن نسبت به انسان است که جسم و روح، فرد و جامعه، دنیا و آخرت را با هم ترکیب می‌کند.

- «نفس اماره» یک نماد نشانه‌شناختی غنی است که شبکه‌ای از این معانی است: یک تضاد اخلاقی درونی، دوگانگی (شور در مقابل عقل) در گفتمان دینی. بُعد نمادینی که در گفتمان‌های تربیتی و عرفانی به آن استناد می‌شود. تحلیل آن نشان می‌دهد که چگونه زبان معانی چندلایه‌ای را از متن مقدس گرفته تا کاربردهای روان‌شناختی و اجتماعی تولید می‌کند.

- در تحلیل نشانه‌شناسی، «نفس لوامه» نشانه‌ای است که بیانگر: اضطراب وجودی در مواجهه با مسئولیت الهی، جنبه انسانی که قادر به توبه و تغییر است، حرکت درونی بین گناه و فضیلت. و در نهایت این که این نه کاملاً منفی است (مانند کسی که به شر گرایش دارد) و نه ایده‌آل (مانند کسی که راضی است)، بلکه حالتی میانی است که پویایی روح انسان را در سفرش به سوی شخصیت والا نشان می‌دهد.

- «نفس مطمئنه» نمادی از کمال ایمان است، جایی که هماهنگی بین اراده انسان و اراده الهی حاصل می‌شود. و این بیانگر: آرامش درونی، سازگاری با سرنوشت، و آمادگی برای ملاقات با خدا. این معانی ضمنی به این واژه بُعد وجودی عمیقی در گفتمان قرآنی می‌بخشد و الگویی ایده‌آل از انسانی را ارائه می‌دهد که هدف خلقت خود را محقق کرده است.



کتابنامه

*قرآن کریم.

- [۱] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۹۹۸، محمد حسین تحقیق شمس‌الدین، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- [۲] الجاحظ، ۱۹۹۸، **البيان والتبيين**، تحقیق عبد السلام محمد هارون، مكتبة الخانجي، القاهرة.
- [۳] خمري، حسين، ۲۰۰۷، **نظریة النص من بنية المعنى إلى سيميائية الدال**، منشورات الاختلال، الجزائر.
- [۴] دانيال، تشارنلر، ۲۰۰۸، **أسس السيميائية**، ترجمة طلائح وبة، مراجعة: ميشائ زكريا، المنظمة العربية للترجمة، بيروت.
- [۵] دانيال، تشارنلر، ۲۰۰۵، **معجم المصطلحات الأساسية في علم العلامات (السموطيقا)**، ترجمة شاکر عبد الحميد، أكاديمية الفنون، القاهرة.
- [۶] ربابعة، موسى، ۲۰۱۰، **آليات التأويل السيميائي**، آفاق للنشر والتوزيع، الكويت.
- [۷] صنعتکار، حسين، ۱۳۹۲، **شیطان شناسی از دیدگاه قرآن کریم**، کاشان، قانون مدار.
- [۸] طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۲، **تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- [۹] طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۶، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. فارسی، حبیب یغمایی، توس، تهران.
- [۱۰] عبد اللطيف محفوظ: **آليات إنتاج النص الروائي "نحو تصور سيميائي"**، الدار العربية للعلوم- ناشروف، بيروت/ لبنان، ۳۲ و ۳۱ ص ۲۳۳۸، ط ۱، ص ۳۱ و ۳۲.
- [۱۱] کیانی، زهرا، وهمکاران، ۱۴۰۱، **تحليل ماهیت نفس از دیدگاه آیات قرآن کریم**، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال چهارم، شماره ۳۸، صص ۱-۱۸.
- [۱۲] کورتس، جوزف، ۲۰۰۷، **السيميائية من "بروب" إلى "قريماس" المكتسبات والمشاريع**، ترجمة جمال الحضري، مجلة الآداب الأجنبية، العدد ۱۳۱، الجمعة، ۶-۶-۲۰۰۸.
- [۱۳] کورتس، جوزف، ۲۰۱۰، **سيميائية اللغة، ترجمة جمال حضري**، مجد المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، بيروت.
- [۱۴] محفوظ، عبد اللطيف، ۲۰۰۸، **آليات إنتاج النص الروائي "نحو تصور سيميائي"**، الدار العربية للعلوم ناشرون، بيروت.
- [۱۵] المرتجى، أنور، ۱۹۸۷، **سيميائية النص الأدبي**، دار أفريقيا الشرق، الدار البيضاء.
- [۱۶] هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۹، **فرهنگ قرآن**، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.